

پاسخ به نامه مدیرعامل صدا و سیمای جمهوری اسلامی

جناب آقای محمد هاشمی رفسنجانی

مدیر عامل محترم صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

با سلام، عطف به نامه شماره ۲۳/۴۶۵۴/۸۴۶ مورخ ۶۱/۱۱/۱۰ لزوماً مراتب زیر را به اطلاع می‌رساند:

۱- در نامه ما نیامده است که شما «نامه‌های ما را بی جواب گذاشتید و احساس مسئولیت نکردید»، بلکه گفته‌ایم که مدیریت آن سازمان در گذشته به تذکرات و توصیه‌های به حق ما در چند مورد من جمله نامه‌های شماره ۱۲۷ مورخ ۶۰/۱۱/۲۲ و شماره ۳۲۳ مورخ ۶۱/۵/۲۵ ترتیب اثر نداده‌اند.

«احساس» امری است قلبی و به نیت باطنی فرد مربوط می‌شود و فقط خدا از ما فی‌الضمیر افراد آگاه است.

آنچه قابل بررسی و قضاوت است ترتیب اثر دادن یا ندادن به یک مسأله، صرف‌نظر از محرک و نیت افراد می‌باشد و شما به عنوان مدیر عامل صدا و سیما و مسئولیت شرعی و قانونی که به این عنوان دارید در رابطه با خلاف شرعی که در مورد ما از طریق سیمای جمهوری صورت گرفت کاری انجام ندادید.

۲- در نامه مورخه ۶۱/۱۱/۶ ما به مسأله انتشار تهمت‌ها و دروغ‌پردازی‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی از زبان غضنفرپور زندانی اوین اشاره‌ای نکرده بودیم که شما آن را مطرح ساخته‌اید و باز تلاش کرده‌اید که خود را از مسئولیت شرعی و قانونی آن تبرئه سازید؟

معدالک جواب ایراد شما روشن است. حضور برخی از اعضای دولت موقت و نهضت آزادی در محاکمه امیرانتظام در دادستانی به آن علت بود که اولاً در آنجا دادگاه و محاکمه‌ای بود که دادستان آن را علنی اعلام کرده بود و ثانیاً دادستان از تمام کسانی که اطلاعاتی درباره اتهامات متهم داشتند درخواست کرده بود که به عنوان شاهد به دادگاه بروند و مطالب خود را ارائه دهند و آن جمع بر اساس تکلیف شرعی «و لاتکتبوا الشهاده و من یکتبها فانه اثم قلبه» (بقره - ۲۸۳) در دادگاه حضور پیدا کردند و به وظیفه شرعی و انسانی خود عمل کردند.

ثانیاً در مورد آقای غضنفرپور به عنوان یک زندانی محکوم وضع کاملاً فرق دارد. انتقاد و اعتراض و درخواست ما از صدا و سیمای جمهوری اسلامی این بود که در مرحله اول نمی‌بایستی اجازه می‌داد از امکانات صدا و سیمای جمهوری جهت نشر اکاذیب و تهمت و افترا استفاده شود.

و در مرحله دوم بعد از انتشار می‌بایستی حق به ما می‌داد تا از خود دفاع کنیم. درخواست مناظره و بحث آزاد تلویزیونی نکرده بودیم بلکه درخواست احقاق حق داشتیم که این امر مربوط به صدا و سیما می‌شود نه دادستانی.

استدلال صدا و سیما اساساً نادرست بود. مثل این می‌ماند که صدا و سیما تصمیم بگیرد که به اعضای انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا و کانادا، و یا آقای دکتر یزدی اجازه بدهد به تهمت‌ها و دروغ‌هایی که

اعضای گروه اتحادیه کمونیست‌ها از طریق صدا و سیما علیه آن‌ها منتشر کرده‌اند، جواب بدهد. ولی آن را مشروط به آن بدانند که شخص مدعی را که ضمناً معدوم هم شده است بیاورند تا با آن‌ها مناظره نماید!!
مسأله روشن است مسلمان در مرحله اول نباید اجازه بدهد از صدا و سیما اخلاق غیراسلامی نشر پیدا کند و اگر به هر دلیلی هتک حرمت و حیثیتی شد، خود مسؤولان، از باب تکلیف شرعی آن را جبران کنند یا به اشخاص ذیربط امکان بدهند تا از حیثیت خود دفاع کنند. البته شق اول ترجیح دارد.

۳- جنابعالی نه تنها ادای تکلیف نکرده‌اید، بلکه در قسمت دیگری از نامه اخیر خود، به تأیید نظرات آقای غضنفرپور پرداخته‌اید و مدعی شده‌اید که ما مطلبی برای گفتن نداشته‌ایم.

۴- علیرغم سهم عمده و اساسی که اعضای نهضت آزادی در تأسیس انجمن‌های اسلامی در داخل و خارج کشور داشته‌اند خود را نه در گذشته و نه در حال قیم این انجمن‌ها ندانسته و نمی‌دانند زیرا آنچه انجام داده‌اند انشاءالله به خاطر رضای خدا و انجام تکلیف بوده است.

ما دفاع از سوابق و حیثیت انجمن اسلامی دانشجویان را به سبیل دفاع از حق تلقی می‌کنیم و آن را واجب کفایی می‌دانیم بدیهی است پیشنهاد و درخواست دفاع هم به عنوان نماینده انجمن نبوده و هر فرد یا گروهی از این حق صادقانه دفاع واقعی نماید رفع تکلیف شده است.

اما وقتی شما به خود حق می‌دهید که به عنوان عضوی از آن انجمن و هم چنین از طرف جمع کثیری از اعضای سابق انجمن که با آن‌ها تماس دارید، مطلبی را اعلام کنید، صداقت و انصاف اسلامی حکم می‌کند که بپذیرید کسان دیگری هم که از اعضای مؤسس و بنیانگذار انجمن بوده و با جمع کثیری از اعضای سابق انجمن در تماس هستند، همانطور که در تأسیس انجمن با احساس تکلیف دینی عمل کردند در دفاع از حق نیز با احساس تکلیف اقدام نمایند. بدیهی است شما هم می‌توانستید با ممانعت از پخش این اتهامات یا دفاع از حق انجمن به این وظیفه عمل کنید.

۵- در نامه فوق‌الذکر گفته‌اید چرا وقتی به دولت موقت حمله می‌شود نهضت دفاع می‌کند؟ مطلب خیلی روشن است ما همیشه تأکید کرده‌ایم که دولت موقت انحصاری نبوده است. امام در حکم انتصاب آقای مهندس بازرگان به سمت رییس دولت موقت انقلاب در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ و در بیانات بعدی خودشان همیشه تأکید کردند که دولت موقت انقلاب باید غیر حزبی باشد و افراد از همه گروه‌ها و شخصیت‌های مسلمان و مبارز مشارکت داشته باشند و اینچنین نیز صادقانه عمل شد به طوری که فقط حدود ۳۰ درصد وزرا نهضتی بودند (به نشریه شورای انقلاب و دولت موقت از زبان مهندس بازرگان مراجعه فرمایید). به همین مناسبت ما همواره این واقعیت را تأکید کرده‌ایم که دولت موقت، دولت نهضت آزادی ایران نبوده است. در این دولت هم آقایان مهندس بازرگان، دکتر سحابی و دکتر یزدی و شهید دکتر چمران و شهید رجایی از نهضت آزادی بودند و هم شهید دکتر باهنر و حجج اسلام آقایان سید علی خامنه‌ای و اکبر هاشمی رفسنجانی از حزب جمهوری اسلامی و آیت‌الله مهدوی کنی از روحانیت مبارز تهران و هم آقایان مهندس تاج، مهندس معین‌فر، مهندس طاهری و مهندس کتیرایی از انجمن اسلامی مهندسين و هم آقایان داریوش فروهر، اسدالله مبشری و دکتر سنجابی از جبهه ملی و ... و همه به صفت فردی و «بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروه خاصی» همکاری داشته‌اند. حال این سؤال مطرح می‌شود چرا رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیمای جمهوری اسلامی و نشریات اعم از اسلامی مانند روزنامه جمهوری

اسلامی و یا مارکسیستی مانند نشریات حزب توده و افرادی چون آقای فخرالدین حجازی در حملات خود به دولت موقت معمولاً فقط اعضای نهضتی دولت موقت را نام می‌برند یا تصویرشان را همزمان با حملات نشان می‌دهند، آیا قصد کسانی که به دولت موقت حمله می‌کنند، دولتی که برای مدت نه ماه با حکم امام قبول مسئولیت کرد و با تقدیر امام استعفایش پذیرفته شد، حمله به نهضت آزادی و تفکر و خطمشی این جمع نیست؟ آیا پاسخ نهضت به این حملات و دفاع از حق خلاف شرع و قانون و انسانیت است؟

۶- ما در مورد قضاوت‌های شخصی جنابعالی و این که در نامه رسمی صدا و سیما نظرات شخصی خودتان را منعکس ساخته‌اید مطلبی اضافه نمی‌کنیم اما توجه جنابعالی را به این نکته جلب می‌کنیم که ما با مدیریت و نهاد صدا و سیمای جمهوری اسلامی که در مقابل قانون و ملت مقام مسؤولی است طرف هستیم و از جنابعالی نیز انتظار داریم دور از نظرات شخصی به وظایف قانونی محوله عمل بفرمایید.

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران